

" امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید "

اخبار عالم بهائی

دسامبر و ژانویه ۲۰۱۱ سال دوم شماره ۳ و ۲

شهر المسائل و شهر الشرف ۱۶۷ بدیع

تصویری از دنیای امروز در آئینه آثار مبارکه

حضرت ولیّ امر الله مؤکّداً تصریح فرمودند:

"در جهانی که مؤسسات و اجتماعش فاسد و بینشش تاریک و وجدانش مشوّش و دستگاه‌های دینی‌اش بی‌جان و از مناقب و فضائل عاری است، در چنین جهانی این عامل شفاعت‌بخش یزدانی، این نیروی نافذ الهی، این قوّه جذب‌کننده معنوی، که در غایت نشاط و تأثیر است، به تدریج شکل می‌پذیرد و در کالبد مؤسساتش متبلور می‌شود و نیروهایش را بسیج می‌کند."^۱

ترجمه غیر رسمی قسمتی از دستخط بیت العدل اعظم الهی مورخ: ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ خطاب به مؤتمر مشاورین قاره ای در ارض اقدس:

"... کاملاً واضح و بدیهی است که، در طیّ این مدّت، حیات سیاسی در جمیع نقاط همچنان با آهنگی هشدار دهنده رو به وخامت رفته، زیرا مفهوم دولتمردی از معنی تهی شده، سیاست‌ها، به نام پیشرفت و ترقی، در خدمت مصالح اقتصادی عده‌ای انگشت‌شمار در آمده، تزویر و ریا برای تضعیف عملکرد نظام‌های اجتماعی و اقتصادی مجاز شمرده شده است... در جهانی که به خیانت و نادرستی پاداش می‌دهد، فساد را تشویق می‌کند، و با راستی و حقیقت همچون کالایی قابل مذاکره و معامله برخورد می‌کند... آشفتگی و پریشانی که اساس جامعه را تهدید می‌کند بس عمیق است... باید توجه داشت که انزوا و نومیدی که الیوم بسیاری از نفوس از آن در رنج و عذابند محصول محیطی است که ماده‌گرایی مفرط و فراگیر بر آن سلطه دارد.

باید به اهمیت این تقاضای حضرت ولیّ امر الله پی ببرند که فرموده‌اند در قلوب خود به مفاهیم حسن رفتار و اخلاق که با وضوح تامّ توصیف فرموده‌اند، تفکر و تأمل نمایند. باشد که اعمال و رفتار آنها یادآور سرنوشت متعالی و شرافت ذاتی نوع بشر برای عالم انسانی مصیبت‌زده و درمانده باشد....

^۱ نظم جهانی بهائی، ص ۱۵۱

گفتگو درباره برنامه های آینده در نشست جهانی

سر ویس خبری جامعه جهانی بهائی در سایت خبری خود در تاریخ ۱۴ دی ۱۳۸۹ درباره این مؤتمر تاریخی گزارش مبسوطی بشرح ذیل منتشر نموده است:

مسئولان ارشد دیانت بهائی از سراسر جهان در مرکز جهانی بهائی جمع شده اند تا درباره پیشرفت این جامعه جهانی و فعالیت هایش در آینده گفتگو کنند.

کنفرانس هیئت های مشاورین قاره ای در ۷ دی (۲۸ دسامبر) آغاز شد. نشست های جامع که تا ۱۱ دی (۱ ژانویه) ادامه داشت اکنون با مشورت های بیشتر در گروه های جغرافیایی دنبال می شود.

۷۹ نفر از ۸۱ مشاور جهان، از حدود ۵۸ کشور، در نشست ها شرکت دارند. آنها توسط بیت العدل اعظم در ۵ آذر ۱۳۸۹ برای یک دوره خدماتی پنج ساله تعیین شدند. ۳۳ تن از



آنها برای نخستین بار در نقش مشاور خدمت می کنند.

تمرکز اصلی شور مشاورین در سندی از بیت العدل اعظم که در جلسه ارائه شد، عنوان گردید. این پیام تحلیلی کامل از فعالیت های جامعه سازی در سالهای اخیر و جهتی روشن برای تکامل آنها در آینده فراهم نمود.

اعضای هیئت های مشاورین قاره ای، روی پله های مقر بیت العدل اعظم، همراه اعضای بیت العدل اعظم و دارالتبلیغ بین المللی. پنج هیئت مشاورین قاره ای مسئولیت آموزش، تشویق و برانگیختن پیشرفت جوامع بهائی را در سراسر عالم بر عهده دارند. این عکس در اولین روز کنفرانس آنها در ۷ دی ۱۳۸۹ (۲۸ دسامبر ۲۰۱۰) گرفته شد.

از جمله پیشرفت های اشاره شده، افزایش توان مندی حدود ۳۵۰۰۰۰ نفر در سراسر جهان، از طریق شرکت آنها در یک برنامه آموزشی، با هدف «شکل دادن به نوعی از زندگی که روح جان سپاری و وفاداری خصیصه ویژه آن است» بود. ویژگی های دیگر فرایند جهانی یادگیری که اکنون در جامعه جهانی بهائی در جریان است، شامل برگزاری منظم کلاس های آموزشی روحانی برای «خردسال ترین اعضای جامعه، گروه های به هم پیوسته نوجوانان و حلقه های مطالعه برای جوانان و بزرگسالان...» است. در پیام اشاره شده که حال در هر زمانی نیم میلیون نفر یا بیش از آن در این گونه فعالیت ها شرکت دارند.

این فرایند آموزشی – که بیت العدل اعظم آن را «ابزاری توانا جهت تواندهی روحانی توده های نوع بشر برای آن که مسئولیت سرنوشت خود را بر عهده بگیرند» توصیف کرده – به تأسیس یک الگوی ممتاز حیات اجتماعی کمک می کند که متعاقباً چارچوبی برای پیشبرد روحانی، اجتماعی و مادی جامعه ارائه می دهد.

تقویت بیشتر این فرایند از جمله نکات اصلی مورد بحث در نشست بود. مشاورین طی جلسات مشورتی و گفتگوهای غیررسمی، تجربه ها و بینش های خود را با هم در میان گذاشتند و راه های رشد بیشتر فعالیت ها را بررسی کردند. بیت العدل اعظم در پیام خود دربارهٔ درست کاری، کیفیت روحانی و رهایی از تعصب نیز که باید ویژگی معرف حیات افراد و خدمات شان به جامعه باشد، سخن گفتند.

چنین صفاتی که باید به طور مستمر ترویج یابد - همراه با روح عشق و اتحاد عمیق- پیش نیازهای الزامی موفقیت در همهٔ اقدامات بهائی است.

بیت العدل اعظم می نویسند: «حقیقت آن است که انواع تعصب - از تعصب نژادی، طبقاتی، قومی، جنسی و دینی - همچنان یوغ محکم خود را بر نوع بشر حفظ کرده است.»

نگرش ها و روش های جامعهٔ بهائی به دنبال آن است که «در هر گروه انسانی، صرف نظر از پیشینهٔ طبقاتی یا دینی، فارغ از ملاحظات قومی یا نژادی و بدون توجه به جنسیت یا موقعیت اجتماعی آنها، نیروی ایجاد کند که به پاخیزند و در پیشبرد تمدن بشری سهیم شوند.»

از دیگر موضوعات مورد بحث در کنفرانس، رابطهٔ بین افراد، نهادها و جامعه بود. بیت العدل اعظم نوشتند: «تعاملات بین این سه در سرتاسر تاریخ بشر، در هر نوبت، مملو از دشواری هایی بوده است: فریاد و فغان توده مردم برای دستیابی به آزادی، مطالبهٔ فرمانبرداری از سوی نهادها، و دعوی اولویت از سوی جامعه.»

پیام با بیان این که «درک تازه ای از این مفاهیم، متناسب با بشری که به بلوغ رسیده، در حال ظهور است»، مشورت ها را به این سو هدایت کرد که چطور تعاون و تعاضد می تواند به نحو فزاینده ای روابطی را که این سه عنصر جامعه را به هم پیوند می دهد، تعیین کند.

بیت العدل اعظم در تاریخ ۱۱ دی، به مناسبت پایان کنفرانس، در نامه ای دیگر خطاب به بهائیان عالم شور مشاورین را «با بصیرت و نگرشی روشن، با اساسی پایدار و مطمئن...» توصیف کردند.

مشاورین، پس از حدود ده روز مطالعه، تأمل و مشورت فشرده، با رهنمونی روشن به کشورهای خود باز خواهند گشت تا بینش و الهامی را که دریافت کرده اند به جوامع ملی و محلی بهائی منتقل کنند.

حمایت فرهیختگان ایران و سایر نقاط عالم از جامعه مظلوم و شجیع بهائی در ایران

ابراز نگرانی عمیق مجمع عمومی سازمان ملل از «نقض حقوق بشر» در ایران

مجمع عمومی سازمان ملل روز سه شنبه قطعنامه محکومیت «نقض حقوق بشر در ایران» را به تصویب رساند و با اشاره به مواردی نظیر «شکنجه»، «مجازات‌های بیرحمانه»، «صدور حکم اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال» و «نابرابری فراگیر جنسیتی» در ایران، نسبت به نقض «مداوم» این حقوق در ایران «عمیقاً» ابراز نگرانی کرد.

مجمع عمومی سازمان ملل با صدور این قطعنامه که روز سه‌شنبه، ۳۰ آذر، با ۷۸



رأی موافق، ۴۵ رأی مخالف و ۵۹ رأی ممتنع به تصویب این مجمع رسید، نگرانی «عمیق» خود را نسبت به «نقض مداوم و مکرر حقوق بشر در ایران» از جمله «شکنجه، رفتارها و مجازات‌های بیرحمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز، نظیر شلاق و قطع عضو» ابراز کرد.

مجمع عمومی همچنین از «اعدام در ملاً عام»، «افزایش چشمگیر اجرای احکام اعدام فاقد اقدامات ایمنی شناخته شده جهانی» و علاوه بر آن صدور حکم اعدام برای افراد کمتر از ۱۸ سال در جمهوری اسلامی انتقاد کرد.

در این قطعنامه که پیش‌نویس آن پیشتر در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسیده بود، همچنین به «نابرابری فراگیر جنسیتی و اعمال خشونت علیه زنان» در ایران اشاره شده و مجمع عمومی سازمان ملل نسبت به «سرکوب مداوم مدافعان حقوق زنان، بازداشت‌ها، سرکوب اعتراضات و

محکوم شدن زنانی که با برگزاری اجتماعات صلح‌آمیز حقوق خود را مطالبه می‌کنند» ابراز نگرانی کرده است.

اعضای این مجمع در قطعنامه مزبور «محدودیت شدید آزادی فکر و آزادی مذهب در ایران» را نیز خاطر نشان کرده و همچنین اعتراض خود را نسبت به «بازداشت‌های مستبدانه» و حبس‌های طولانی مدت ابراز کرده‌اند.

پیش‌نویس قطعنامه نقض حقوق بشر در ایران ۲۸ آبان‌ماه سال جاری در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ۸۰ رأی موافق در برابر ۴۴ رأی مخالف و ۵۷ رأی ممتنع به تصویب رسید و آمریکا و کانادا از این اقدام استقبال کردند.

(نقل از سایت خبری رادیو فردا مورخ اول آذر ۱۳۸۹)

توضیحات :



به گفته خانم دوپال نماینده جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل متحد در قطعنامه مذکور در قسمت تبعیض از اقلیتهای مذهبی از جمله اعضای دیانت بهائی ذکر گردیده است خانم دوپال ضمن استقبال از نتیجه این قطعنامه

اشاره میکند که اسناد طیف گسترده ای از نقض موارد حقوق بشر ارائه گردیده است و وقت آن رسیده است که جمهوری اسلامی ایران دعوت جامعه جهانی را مبنی بر اجرای کامل موارد حقوق بشر که طبق موازین و استانداردهای حقوق بین الملل است بپذیرد و ی اضافه کرد و گفت یک بند این قطعنامه به کل رفتارهای جمهوری اسلامی نسبت به اعضای دیانت بهائی اختصاص داده شده است .

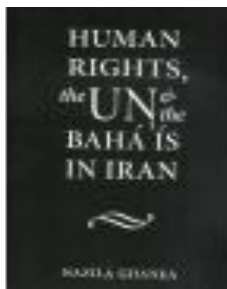
قبل از صدور قطعنامه « نقض حقوق بشر در ایران » پیش نویس آن در تاریخ ۲۷ مهرماه ۱۳۸۹ کمیته سوم سازمان ملل به تصویب رسیده بود و در آن از ایران خواسته شده است تا به تبعض و نابردباری مذهبی پایان دهد و رویکرد خود را در قبال بهائیان تغییر دهد.

در قطعنامه کمیته سوم سازمان ملل همچنین آمده است: هفت رهبر بهایی که از سال ۲۰۰۸ در زندان به سر می برند می بایست از حق داشتن وکیل، رسیدگی عادلانه و شفاف به پرونده اشان برخوردار باشند.

انتشار کتاب الکترونیکی جدید توسط سایت آگاهی

نسخه الکترونیکی ترجمه کتاب خانم نازیلا قانع با عنوان "بهائیان، سازمان ملل متحد و شرایط سیاسی ایران " توسط سایت آگاهی منتشر شد .

حقوق اقلیتها از مباحث اساسی روزگار ما محسوب می شود و هر اقدامی در جهت ترویج پیشرفت و استقرار صلح جهانی ، نمی تواند از پرداختن به این بحث مهم خودداری کند. شرایط دشوار اقلیتها در بسیاری از جوامع ، نه تنها مانعی جدی در راه توسعه به حساب می آید ، بلکه در بسیاری موارد از تحمیل شرایطی نا گوار و غیر انسانی بر آنان حکایت دارد . آنچه شرایط فعلی را غم انگیز تر می سازد ، فرو افتادن همین اقلیتهای سرکوب شده در ورطه خشونت است. تاریخ معاصر سرشار از تجاربی است که در آن اقلیت سرکوب شده به گروهی خشن و ستیزه گر و حتی سرکوبگر تبدیل شده است.



در این میان ، جامعه بهائیان ایران یکی از موارد استثنا محسوب می گردد. در طول بیش از یک قرن و نیم سرکوب مستمر از

طرف قوای دولتی و روحانیون پر قدرت ، این جامعه نه تنها با صبر و بردباری در مقابل مصائب وارده مقاومت نموده است، و با استفاده از ابزارهای قانونی حقوق خود را مطالبه کرده، بلکه با اثبات برتری اخلاقی خود بر سرکوبگران ، عملاً به غلبه معنوی دست یافته، بدون آنکه در ورطه خشونت و سرکوب بغلطد . این تجربه در هنگامه ی پر ستیز جهان معاصر ، در خور توجه و بررسی است.

با برقراری نظام سیاسی جمهوری اسلامی در ایران ، حملات علیه جامعه بهائیان ایران شدت بی سابقه ای یافت و عملاً امکانات دولتی در اختیار کسانی قرار گرفت که اضمحلال نهائی این جامعه را خواستار بودند. به مرور ایام این حملات منظم و سیستماتیک شد و گردانندگان سیستم حکومتی به نحو هوشمندانه ای دامنه سرکوب و تبعیض را به تمامی جنبه های زندگی افراد بهائی گسترده ساختند. همزمان ، جامعه بین المللی بهائی نیز از طریق مجامع حقوق بشری به دفاع از خواهران و برادران دینی خود در ایران پرداخت . استفاده از ابزارهای حقوقی تنها روشی بود که بهائیان برای دفاع از خود در اختیار داشتند . تجربه سی ساله اخیر نشان داده است که جامعه بهائی با بکار گیری این ابزارهای حقوقی ، تا حد زیادی توانسته است در مقابل حملات سبعانه و بی رحمانه دشمنانش مانعی فراهم کند و ادامه حیات جامعه بهائیان ایران را در شرایطی بسیار دشوار ، ممکن سازد.

سی سال تلاشهای حقوق بشری برای کسب حقوق جامعه ای اقلیت ، و اجتناب مصرانه از اقدامات خشونت آمیز ، تجربه ای جالب توجه در عرصه حقوق اقلیتهاست که می تواند برای تمامی فعالان در این زمینه قابل استفاده باشد. قلم توانای خانم نازیلا قانع در کتاب گرانقدرشان " حقوق بشر ، سازمان ملل ، و بهائیان ایران " به خوبی توانسته است که این مجموعه از فعالیتها و تجارب را ثبت و به بسیاری از مبانی نظری و علمی در این زمینه بپردازد. قسمت سوم این کتاب مطالعه ای موردی را در این زمینه در اختیار خواننده قرار می دهد و نظر به اهمیت این مبحث در ترویج حقوق اقلیتها ، سایت آگاهی اقدام به ترجمه و انتشار بخش به بخش این قسمت از کتاب خانم قانع در سایت نمود . حال که این ترجمه به اتمام رسیده است ، کتاب الکترونیکی آن توسط سایت آگاهی در اختیار علاقه مندان قرار داده می شود ...

کانادا خواستار آزادی «فوری» رهبران بهایی در ایران شد



رادیو فردا
درسایت خبری خود
بتاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۸۹
این خبر را بشرح ذیل
چنین منعکس نمود :

وزیر امور
خارجه کانادا، با محکوم
کردن دوباره ادامه
بازداشت هفت تن از
رهبران بهایی در ایران،
یک بار دیگر از
جمهوری اسلامی
خواسته است، آنها را

«فوراً» آزاد کند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، لارنس کنون، وزیر امور خارجه کانادا، روز جمعه با انتشار بیانیه‌ای یک بار دیگر خواستار آزادی هفت تن از رهبران بهایی در ایران شده است. وی در این باره گفته است: «با کمال تأسف باید بگویم که مقام‌های ایرانی همچنان هفت تن از رهبران جامعه بهایی این کشور را که در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۰ به ۱۰ سال زندان محکوم شده‌اند، همچنان در زندان نگاه داشته‌اند.»

لارنس کنون در اواخر مرداد ماه و پس از انتشار خبر صدور حکم ۲۰ سال زندان برای هر یک رهبران بهایی در ایران، این حکم را که در دادگاه تجدید نظر به ۱۰ سال کاهش یافته است، «غیرقابل تحمل و بسیار نگران کننده» خوانده و خواستار آزادی آنها شده بود.

وزیر امور خارجه کانادا همچنین افزوده است: «این افراد ۲۸ ماه را در شرایط سختی در زندان گوهردشت سپری کرده‌اند. اتهام‌های وارده شده علیه آنها انعکاس دهنده تحریف آگاهانه دین آن و نیز خدماتی است که به جامعه خود ارایه می‌دهند.»

آقای کنون همچنین افزوده است: «کانادا بر این باور است که هرگونه مجازات زندانی برای چنین اتهام‌هایی بیش از حد است و از این رو این افراد باید هر چه زودتر بدون قید و شرطی آزاد شده و به خانواده‌های خود ملحق شوند.»

بهائیت، آیینی مطابق با دوران مدرن یا یک سازمان سیاسی – امنیتی؟

هفته
هفته نامه ایرانیان کانادا

گفت‌وگو با دکتر فریدون وهمن در ماه نوامبر ۲۰۱۰ در کانادا، توسط خسرو شمیرانی در مورد کتاب، «یکصدوشصت سال مبارزه با آیین بهائی»

در ماه نوامبر ۲۰۱۰ دکتر فریدون وهمن، استاد ایرانشناسی دانشگاه کپنهاگ، در مونترال بود و دو سخنرانی ارائه داد. یکی از این دو سخنرانی به معرفی کتاب «یکصدوشصت سال مبارزه با آیین بهایی» اختصاص داشت فرصت را غنیمت شمردیم تا در حد توان از

حضور این متخصص ادیان ایرانی در مونترال بهره ببریم و خوانندگان هفته را با ریشه‌های افسانه‌ها، شایعه‌ها و واقعیاتی آشنا کنیم که درباره بهاییان مطرح بوده و هستند. می‌دانیم که بهائیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دین به رسمیت شناخته نشده است. در حالی که پیروان ادیان مسیحی، کلیمی و زرتشتی فقط نیم‌شهروند محسوب می‌شوند و در نتیجه از بسیاری از حقوق شهروندی محروم هستند،

بهاییان از تمام حقوق شهروندی محروم شده‌اند. در آغازین سالهای پس از انقلاب عدم کتمان تعلق به این آیین کافی بود تا فرد مورد نظر از حق حیات محروم و اعدام گردد. نتیجه اینکه بیش از دویست بهایی به جرم باور مذهبی خود و در غالب موارد بدون کوچکترین مراسم دادگاه و حق دفاع و بدون حتی ایراد یک اتهام اعدام شدند. طی سی سال گذشته هیچ جوان بهایی حق حضور در دانشگاه‌های ایران را نداشته و به این ترتیب یک نسل از بهاییان از تحصیل عالی محروم شده‌اند. با توجه به اهمیت تحصیل دانش در عصر حاضر، نمی‌توان به عمق این جنایت نیندیشید و سؤال نکرد، چرا؟ در سال‌های گذشته همزمان با گسترش فشار بر این گروه از هم‌میهنان، اتهام رایج این بود که بهاییان وابسته و عامل بیگانه هستند. می‌دانیم که هیچگاه هیچ محکمه‌ای در ایران تشکیل نشده تا طبق موازین شناخته‌شده بین‌المللی به این اتهامات رسیدگی کند؛ اما همواره حکم صادر شده و این اتهام در هوا باقی مانده‌است. در این گفت‌وگو تلاش بر این است تا با ریشه‌ی این برخوردها از زبان یک متخصص آشنا شویم. از آقای فریدون وهمن سپاسگزاریم که با وجود فشرده‌گی برنامه سفر خود در کانادا امکان این گفت‌وگو را فراهم کرد. دکتر فریدون وهمن استاد ایران‌شناسی دانشگاه کپنهاگ در رشته‌ی زبان‌ها و ادیان باستانی ایران با بیش از چهل سال سابقه‌ی تدریس و تحقیق است. از آثار او میتوان کتاب‌های زیر را نام برد: «دین زردشتی»؛ «فرهنگ مردم کرمان» و «واژه‌نامه‌ی پهلوی به فارسی ارتای ویراز نامک»، که قبل از انقلاب در ایران منتشر شدند. آثاری همچون کتاب سه‌جلدی *West Iranian Dialects* در مورد لهجه‌های غربی ایران، دو واژه‌نامه‌ی دانمارکی - فارسی و فارسی - دانمارکی از جمله چندین اثر فریدون وهمن هستند که به زبان‌های انگلیسی و دانمارکی منتشر شده‌اند. همچنین مقالات متعددی به قلم این استاد ایران‌شناس در دانشنامه‌ی عظیم ایرانیکا، دانشنامه بزرگ دانمارک، مجلات سخن، راهنمای کتاب، ایران‌شناسی، ایران‌نامه، خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر، *Acta Iranica* و دیگر نشریات علمی و تخصصی منتشر شده است. فریدون وهمن از مؤسسين و درحال حاضر رئیس انجمن فرهنگی ایران و دانمارک است که پیش از انقلاب اسلامی و برای معرفی فرهنگ ایران به مردم دانمارک تشکیل شد.

آقای دکتر فریدون وهمن می‌خواهیم در این گفت‌وگو به سخنرانی شما در مونترال و کتابی که اخیراً منتشر کردید، «یکصدوشصت سال مبارزه با آیین بهائی» بپردازیم. اجازه بدهید در ابتدا با توجه به تخصص شما در زمینه ادیان ایرانی به آیین بهایی بپردازیم. لطفاً به طور کوتاه در باره محورهای این باور، پیوند آن با ایران، و تفاوت آن با بابی‌گری (بابیسم) توضیح دهید.



ظهور نهضت بابی - بهائی را باید یکی از بزرگترین و مهمترین رویدادهای تاریخ ایران در قرون معاصر بشمار آورد. می‌بینیم که جدا از فرقه‌گری‌های اسلامی، دینی ایرانی از این سرزمین سر بر می‌کشد و حرفهای تازه‌ای مطرح می‌سازد. محور تعالیم بهائی وحدت و یگانگی است و بر این اساس بر تساوی حقوق زن و مرد تأکید می‌ورزد، بی‌دینی را بر دینی که دشمنی و نفاق را ترویج کند

ترجیح می‌دهد، می‌گوید دین باید با علم و عقل موافق باشد وگرنه به خرافه و کج راه می‌افتد، تعلیم و تربیت، مخصوصاً تعلیم و تربیت دختران را اهمیت فراوان می‌دهد و بالاخره دینی است که در آن آخوند و کشیش و خاخام و رهبر مذهبی وجود ندارد. رهبری جامعه به دست افرادی است که از طرف مردم با رای آزاد هر ساله انتخاب می‌گردد. دارای تعالیمی روحانی و اخلاقی و معتقد به وجود خدا و حقانیت همهٔ ادیان جهان است. ایران همواره زادگاه تفکرات دینی بوده مثل دین زردستی، و آیین‌های مانوی و مزدکی پیش از اسلام، و ده‌ها نحلۀ فکری پس از آمدن اسلام به ایران. بنا بر این عجیب نیست که بار دیگر دیانتی جدید از این فرهنگ سر بر کشد و افکاری موافق زمان حاضر عرضه نماید.

ارتباط «بابی‌گری» و «بهائیت» با «ازلی‌گری» (تفکرات میرزا یحیی صبح ازل)، و «شیخی‌گری» (اندیشه‌های شیخ احمداحسائی) چیست؟ یا ارتباطی میان آنها وجود ندارد؟



شیخی‌گری نهضتی بود که در اواخر قرن هیجدهم توسط شیخ احمد احسائی بنیان گذارده شد و اندیشه‌های گوناگونی در فرجام‌شناسی اسلام مطرح ساخت از جمله نزدیکی ظهور قائم موعود. در سال ۱۸۴۴ سید علی محمد باب که جوانی شیرازی و دارای کشش‌های شدید دینی بود خود را قائم موعود نامید. نخستین پیروان او بیشتر از فرقهٔ شیخیه بودند. وی در آثار خود به ظهور مهمتر و بزرگتری بشارت داد. در سال ۱۸۶۳ میرزا حسینعلی نوری از سران بابیه که خاندانش از نور مازندران بودند خود را همان دانست که باب به او بشارت می‌داد. اکثریت قریب به اتفاق بابیان به او پیوستند و بدین ترتیب دیانت بهائی بوجود آمد. ازل برادر کوچکتر بهاء‌الله، که او

نیز از سران نهضت بابیه بود، به راه باب ادامه داد و به برادر نییوست.

از نظر ارتباط بین این سه گروه باید گفت بهائیت ادامهٔ تفکرات بابی همراه با تفکرات نوینی موافق با عصر حاضر است. بابیان یا ازلیان که تعداد اندکی هستند همان تفکرات باب را دنبال می‌نمایند و هنوز منتظر موعودی که باب وعده داد می‌باشند.

آیا ممکن است مروری به سرخط‌های تاریخچه این آیین تا به امروز داشته باشید؟

باب را پس از اعلام ادعای خود دستگیر کردند، مدت پنج سال در زندانهای مختلف بود و سرانجام در سال ۱۸۵۰ به پافشاری امیر کبیر در شهر تبریز تیرباران شد. بابیان در زنجان، نیریز فارس و قلعهٔ طبرسی در مازندران با قوای دولتی رویارو و سرانجام

سرکوب شدند. در پی سوء قصد نافرجام چند بابی به جان ناصرالدین شاه (به انتقام تیرباران باب)، کشتار بزرگی از بابیان در سراسر ایران آغاز شد. بهاءالله و برخی دیگر از بابیان به بغداد تبعید شدند و نهضت بابی دچار بحران بزرگی شد. به تدریج تعداد بابیان در بغداد افزونی گرفت و به تقاضای دولت ایران، دولت عثمانی بابیان را به مناطقی دورتر از مرزهای ایران فرستاد. بهاءالله که در این زمان ادعای خود را علنی ساخته بود، همراه با خانواده و برخی از پیروان خود سرانجام در شهر عکا زندانی شد و همانجا وفات یافت (۱۸۹۲). پس از او عباس افندی (عبدالبهاء) رهبری جامعه را بر عهده گرفت. پس از سرنگونی خلافت عثمانی و با آزاد شدن همه زندانیان سیاسی و مذهبی، عبدالبهاء که آن زمان قریب هفتاد سال داشت دو سفر طولانی به آمریکا و اروپا نمود و با سخنرانی در مجامع دینی و علمی به تبلیغ و گسترش آیین بهائی پرداخت. در حال حاضر جامعه جهانی بهائی که در بیش از ۱۰۰ کشور پراکنده است، توسط یک شورای بین‌المللی بنام بیت‌عدل اداره می‌شود.

یکی از نکات برجسته درباره بهائیان غیرسیاسی بودن آنهاست، به این معنی که بهائیان در فعالیت‌های سیاسی شرکت نمی‌کنند. آیا این درست است و دلیل آن چیست؟

دین بهائی مانند هر دین دیگر دارای آرمان‌ها و آموزه‌هایی ویژه خود است. دسته بندی‌های حزبی، توطئه بازی‌های سیاسی، و واردشدن در جریاناتی که هر روز رنگ و چهره عوض می‌کند چهره این نهضت جوان را خدشه دار می‌سازد و به آن جهتی مخالف آرمانها و ایده‌آل‌هایش می‌دهد. چنین سیاست بازی‌هایی دین را از داخل متلاشی می‌سازد و وحدت آن را از بین می‌برد. این بدان معنا نیست که بهائیان نسبت به سرنوشت کشور و جامعه بی‌تفاوتند و دست‌روی دست گذارده‌اند. بهائیان با تأکید بر تحصیلات برای دختر و پسر، محترم شماردن هر نوع کار و حرفه، و روی آوری به علم و فرهنگ و صنعت در آبادانی و ترقی کشور خود همواره کوشا بوده‌اند.

شدیدترین حملات به بهائیان از همین زاویه سیاست صورت می‌گیرد و تا به آنجا پیش می‌رود که آن را نه یک دین بلکه یک سازمان سیاسی نام می‌گذارند؟ پایه این نامگذاری چیست؟

این‌ها تهمت بی‌اساس و بی‌پایه است و هرگز یک سند یا دلیل پشت سر آن نبوده. این اتهامات را یکصد سال است ملایان از منابر و مساجد برای بیگانه ساختن مردم ایران از این دین پخش کرده‌اند و مردم ناآگاه آن را تکرار نموده‌اند. زیرا هدف آن است که دین بهائی را به صورت عنصری بیگانه جلوه دهند.

دو تئوری درباره‌ی ریشه‌ی بهائیت و شکل‌گیری آن وجود دارد. یکی اینکه این دین توسط انگلیسی‌ها درست شد. دیگر این که روسها این دین را ساختند. دراین رابطه تحقیقات شما چه می‌گوید؟

در دهه ۱۳۲۰/۱۹۴۰ ملایان کتابی جعل کردند بنام یادداشت‌های کینیاز دالفورکی. دالفورکی (دالگوروکف) وزیر مختار روسیه در ایران در زمان محمد شاه (زمان ظهور باب) بود. در این یادداشت‌ها با دیپلماتی روسی روبرو هستیم که فارسی و عربی می‌آموزد و سوای انجام وظایف یک سفیر، لباس آخوندی می‌پوشد و در جرگه علما وارد می‌شود. آن گاه باب و بعد بهاءالله را به ساختن دین جدید وامی‌دارد... و ده‌ها ماجراهای تخیلی از این قبیل. کتاب سیصد غلط تاریخی دارد که با افراد و وقایع همخوانی ندارد. دانشمندان ایرانی از جمله عباس اقبال آشتیانی، مجتبی مینوی، احمد کسروی و جمعی دیگر همگی به تقلبی بودن این کتاب تأکید کرده‌اند. با این همه این کتاب امروزه از سوی جمهوری اسلامی نشر می‌شود و بین مردم ناآگاه توزیع می‌گردد. ماجرای ساختن این دین به دست انگلیس‌ها را ابتدا دکتر فریدون آدمیت در نخستین چاپ کتاب «امیرکبیر و ایران» آورد و داستانی به همین رسوایی جعل کرد. پس از آن که مجتبی مینوی به خاطر این جعل تاریخی او را مورد نكوهش قرار داد آن بخش را از چاپهای بعدی کتاب حذف نمود. اما کار به اینجا ختم نشد و در نیم قرن اخیر روزی نیست که این دین را ساخته دست این و آن ندانند. این که نهضت بهائی را با ریشه‌های عمیقش در فرهنگ و تاریخ ایران دینی ساخته دست خارجی‌ان بنامیم توهینی است بزرگ به شخصیت و شعور ملت ایران.

امروز دولت ایران بویژه بر این تأکید دارد که بهائیان با اسرائیل در ارتباط هستند و ما می‌دانیم که مرکز مذهبی و اداری بهائیان، بیت‌عدل، در اسرائیل است. ارتباط بهائیان با دولت اسرائیل چیست؟ چرا مرکز بهائیان در کشور دیگری بنا نشده است؟

همانطور که گفته شد در اواخر قرن نوزدهم دولت عثمانی به تقاضای سفیر ایران بهاءالله و خانواده ایشان را به شهر دورافتاده‌ای در عثمانی آن زمان، بنام عکا، تبعید کرد. بهاءالله و فرزندش عبدالبهاء در همانجا وفات یافتند و به تدریج آن نقطه به صورت مرکز دین بهائی درآمد. می‌بایست قریب یکصد سال بگذرد تا پس از جنگ دوم جهانی نهضت صهیونیسم و دولت اسرائیل بوجود آید. آیا می‌توان گفت چون مسجداالاقصی که دومین مکان مقدس مسلمین است در اورشلیم قرار دارد لذا مسلمانان جهان صهیونیست هستند؟ واقعیت این است که طبیعی‌ترین محل برای برپاسازی مرکز بهائیان ایران بود اما با کینه‌توزی ملایان که نابودی بهائیان را در برنامه دارند چنین امری محال است.

بهائیان مدعی هستند که از آغاز به آموزش و تعلیم و تربیت بسیار اهمیت می‌داده‌اند. آیا برای تحقق این مدعا، بهائیان کاری انجام داده‌اند؟

بهائیان از اواخر قرن نوزدهم به تاسیس مدارس دخترانه و پسرانه در دهات و شهرهای ایران همت گماشتند. اما در زمان رضاشاه همه این مدارس که از پنجاه متجاوز بود برای همیشه تعطیل گردید. تعطیل مدارس بهائی باجی بود که رضا شاه به آخوندها داد تا در مقابل رفع حجاب ساکت بمانند.

معتقدان به آیین بهایی به برخورد خشونت آمیز اعتقاد ندارند. اما می‌دانیم که در آغاز جنگ‌های گسترده‌ای میان بابیان و حکومت صورت گرفت. ریشه‌ی خشونت گریزی بهائیان از کجاست؟

بایان در یک مقطع زمانی در کوتاه مدت مجبور به رویارویی با قوای دولتی گردیدند و در سه نبرد درگیر شدند. بهاءالله خشونت و جنگ و جدال را منع کرد و سیاستی برای حیات دراز مدت این آیین عرضه داشت که بر آشتی و مسالمت تکیه دارد.

آیا درست است که در صورت سرکشی اعضای جامعه بهایی آنها تحت فشار قرار گرفته و گاه از جامعه طرد می‌شوند. آیا این خود نوعی از خشونت نیست؟

طبیعت تعالیم بهائی مهر و دوستی است نه خشونت و بد رفتاری. اگر افرادی مخالف قوانین بهائی اقدامی کنند که مثلاً خطرش متوجه بشریت و جامعه و یا موجب بدنامی بهائیان گردد از این جامعه اخراج می‌شوند. این امر در تمام گروه‌ها و حتی احزاب سیاسی رایج است و چیز تازه‌ای نیست. هیچ کس برای بهائی شدن یا ماندن در جامعه بهائی تحت فشار قرار نمی‌گیرد زیرا این کار با بدیهی‌ترین اصل بهائیت که جستجوی حقیقت است مابینت دارد. هر بهائی می‌تواند در هر زمان این دین را ترک کند یا به آن بپیوندد.

به عنوان یک متخصص ادیان ایرانی ریشه‌های تهاجم و یا عدم علاقه‌مندی دولت‌های قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی به بهائیت را در چه می‌بینید؟

دشمنی ملایان و حکومت‌های ایران با دین بهائی را باید در دشمنی آنان با دموکراسی، جامعه مدنی و ترقی معنوی و فکری مردم ایران جستجو کرد. نهضت مشروطیت ایران نیز خواهان همین آرمانها بود، اما دیدیم که آن را عملاً نابود ساختند. نابودی دین بهائی از همان آغاز در دستور کار ملایان بوده و امروزه نیز چنین است.

برخورد جامعه و بویژه فعالان عرصه دانش و فرهنگ و به اصطلاح «روشنفکر» جامعه ایران با بهائیت را در تحقیقات خود چگونه دیدید؟ آیا این گروه جامعه ما در مورد بهائیان به درستی عمل کرده است؟

مردم ما از عامی و روشنفکر، سالهای طولانی کورکورانه به دنبال ملایان رفتند. روشنفکران ما از ظلمهایی که در گوشه و کنار دنیا بر مردم می‌گذشت مقالات نوشتند و ناله‌ها سر دادند ولی چشمشان را بر ظلمی که به جامعه بهائی می‌رفت بستند. کشتار بیش از دویست بهائی در همان ماههای اول پیروزی انقلاب، بیرون ریختن بهائیان از مشاغل خود، محروم ساختن دانشجویان بهائی از تحصیل و ده‌ها سرکوب دیگر با سکوت و خونسردی روشنفکران ما روبرو شد و لکه سیاهی در تاریخ روشنفکری و روشنفکران ما باقی گذارد.

امروز خوشبختانه دفاع از حقوق بشر در میان فعالان سیاسی و اجتماعی ایران امری فراگیر شده است. آیا مثلاً به همان ترتیب که شاهد دفاع از حقوق بسیاری از افسار تحت فشار جامعه بوده و هستیم، با سرکوب بهائیان نیز مخالفت شده است؟

جای خوشوقتی است که نه تنها بسیاری از روشنفکران بلکه هم میهنان با انصاف ما نیز به ظلم جانکاهی که بر بهائیان روا می‌شود اعتراض می‌کنند و با مقالات، بیان نامه‌ها، مصاحبه‌ها و غیره از بهائیان طرفداری کرده خواهان حقوق شهروندی برای ایشان هستند. متأسفانه باید گفت امروزه کمتر کسی از مردم ایران از حقوق شهروندی و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی برخوردار است و ظاهراً بر هر که بنگری به همین درد مبتلاست ولی هیچیک عمق و وسعت فاجعه‌ای که بهائیان دچار آن هستند ندارد.

حضرت عبدالبهاء به ما می‌فرمایند، "وقتی قطعه‌ای آهن در کوره آهن‌گری گذاشته شود، تیرگی، سردی و جمود مربوط به آهن، که مظهر صفات عالم بشری است، از بین می‌رود و نابود می‌شود. اما صفات متمایز آتش که عبارت از سرخی، حرارت و روانی و مظهر فضائل عالم ملکوت است، به وضوح در آن مشهود می‌گردد."

مدرسه بین المللی تاوزند:

مدرسه بین المللی متوسطه Townshend مختلط و بزبان انگلیسی میباشد که در بوهامیا جنوبی، جمهوری چک، نزدیک مرز آلمان و اتریش واقع است



این مدرسه که در سپتامبر ۱۹۹۲ افتتاح گردید، بنام دانشمند بزرگ ایرلندی و انسان‌دوست، جورج تاوزند است که در بین سالهای ۱۹۵۷-۱۸۷۶ زندگی

میکرده است. مدرسه تاوزند خصوصی و پروژه‌ای است کاملاً غیر انتفاعی و بدون وابستگی‌های مذهبی میباشد اصول اساسی اداره دانشگاه با الهام از تعالیم مبارکه ائین بهائی است و امور داخلی آن بر مبنای استانداردهای اخلاقی امر مبارک انجام میشود که مورد علاقه و حمایت دانش آموزان و کارکنان دانشگاه میباشد. این مدرسه برای اولین بار با ثبت نام ۲۵ کودک که در سه اتاق اجاره ای درس میخواندند آغاز به کار کرد درابتداء درابتداء سختی هائیکه درمقابله با چند فرهنگی بودن بچه ها در این پروژه در یک محیط بلوک شرق سابق داشت

کاملاً محسوس بود، مدرسه با کسب تجربه رشد آهسته آهسته اما پیوسته بااجاره اتاقهای بیشتر توسعه یافت درپائیز سال ۱۹۹۴ توسط وزارت آموزش و پرورش چک در میان مدارس خصوصی کشور به ثبت رسید و در سال تحصیلی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ برنامه آموزشی مدرسه به تصویب کمبریج رسید و نیز با موفقیت وبه عنوان یک مرکز کمبریج به ثبت رسید



: یادگیری در مدرسه بین المللی تاوژند جریانیست که در آن فراگیری دانش ، آرزوهای شخصی و ارزشهای معنوی همگرا مشاهده میشود بنابراین زندگی در مدرسه Townshend بیان نگرانی جامع برای توسعه انسانی ، فکری ، اجتماعی ، معنوی و فیزیکی است. ترویج رفاه هر دانش آموز ، به رسمیت شناختن اتصال معنوی ، عاطفی آنان است، پرورش عشق روزافزون و تمایل به تلاش برای "برتری در همه چیز". کشف و کمک به توسعه و بهبود استعدادها و پتانسیلهای هر دانش آموز. تشویق دانش آموزان برای درک و قدردانی از فردیت خود که از دیگران است.

ایجاد احساس آگاهی و تعهد جهانی به همزیستی و وابستگی متقابل در دانش آموزان و اینکه جهان به سرعت در حال تغییر است و این احساس در این تغییر کمک میکند ما اعتقاد داریم که آگاهی برای نیازهای کودک با مسئولیت پدر و مادر و مدارس است این آگاهی باید در زندگی روزمره آنان پیاده و عملی گردد جوان ویژگی های پیش بینی شده و ویژگی های مورد نیاز برای حفاظت از نسل در حال رشد در برابر بدبختی و بیماری های جامعه رادار است. جنبه های بسیاری از اهداف آموزشی تحقق و تمرین در جنبه های مختلف زندگی روزمره است.

دردرون قدرت هر پدر و مادر و هر معلم است که به اعمال نفوذ بر شکل گیری شخصیت کودک کمک میکند. کسانی که حمل بار این مسئولیت سنگین را به عهده میگیرند باید نیازهای عواقب و نتایج هدایت و آگاهی از این آموزشها را بدانند ، آنان باید با پایمردی ، استقامت و فداکاری دائما" مراقبت نمایند ، شفقت و



فروتنی نشان دهند. آنها باید احترام بخود، عدالت ، ایجاد میل به یاد گیری و مایل بودن به معنویات و امید به ایجاد محیط زیست بهتری را در دانشجویان پرورش دهند مدرسه تاوژند با این طرزفکر، همکاری پدر و مادر، تلاش مستمر معلمان و مربیان مجرب ، توجه به خواست دانشجویان به عنوان یک نهاد مستقل میتواند نمونه ای از یک جامعه آراسته به ارزشهای معنوی در بالابردن ارزشهای معنوی و فرهنگی نورچشمانمان عزیزمان خدمت کند

چند خبر کوتاه از ایران:

نقل از سایت سرویس خبری جامعه بهائی ۲۳ آذر- ۲۴ دی ۱۳۸۹

ارومیه: دستگیری ۴ بهائی

در ۷ دی ۱۳۸۹ ، خانم شیوا کریمی، خانم حمیرا پرویزی و آقای نوید مرغی، همه اهل ارومیه، توسط مأموران وزارت اطلاعات دستگیر شدند. آقای

مسرور فضلی، یکی دیگر از بهائیان اهل ارومیه، که آن شب در منزل نبود، بعداً به دفتر محلی وزارت اطلاعات احضار و هنگام معرفی خود در محل دستگیر شد.

شیراز: آزادی آقای ادیب حق پژوه با قرار وثیقه

آقای ادیب حق پژوه اهل شیراز، که در ۹ دی ۱۳۸۹ دستگیر شده بود، در ۲۱ دی ۱۳۸۹ با قرار وثیقه آزاد شد. پیش از دستگیری آقای حق پژوه، مأموران وزارت اطلاعات در محل سکونت او حضور یافتند و پس از بازرسی کامل، همه مطالب مربوط به آئین بهائی را توقیف کردند.

ساری: آزادی خانم فتانه نوری (قنبری) و خانم رویا قنبری با قرار وثیقه

خانم فتانه نوری (قنبری) و خانم رویا قنبری، هر دو اهل ساری، که اخیراً توسط مأموران وزارت اطلاعات دستگیر شده بودند، پس از چند روز بازداشت با قرار وثیقه آزاد شدند. آقای امید قنبری، همسر خانم فتانه نوری و برادر خانم رویا قنبری، در ۱۷ آذر ۱۳۸۹ دستگیر شد و در حال حاضر در بازداشت به سر می برد.

تهران: صدور حکم برای آقای فؤاد خانجانی

آقای فؤاد خانجانی اهل تهران، که پیشتر چندین بار برای بازجویی احضار و در ۷ اردیبهشت ۱۳۸۹ دستگیر و سپس در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۹ با قرار وثیقه آزاد شده بود، به ۴ سال زندان محکوم شده است.

ساری: دستگیری آقای امید قنبری

در ۱۷ آذر ۱۳۸۹، آقای امید قنبری اهل ساری توسط مأموران وزارت اطلاعات دستگیر شد. مأموران به محل سکونت وی نیز رفتند و کتب بهائی و کامپیوتر او را توقیف کردند.

اصفهان: اخراج آقای وفا پروینی از دانشگاه

در ۲۱ آذر ۱۳۸۹، آقای وفا پروینی از دانشگاه پیام نور علویچه اصفهان اخراج شد. آقای پروینی مشغول تحصیل در علوم کامپیوتر و در شرف اتمام اولین ترم تحصیلات خود بود.

گرگان: اقدام به آتش افروزی

در ۱۶ آذر ۱۳۸۹، در ورودی محل سکونت آقای عقیقیان، یک بهائی اهل گرگان، به دست افراد ناشناس سوزانده شد.

رفسنجان: ادامه حملات آتش سوزی



در اولین ساعات روز ۱۴ آذر ۱۳۸۹، مغازه لوازم التحریر متعلق به آقای مسعود میبیدی اهل رفسنجان مورد حمله آتش افروزان قرار گرفت. خسارت وارده به مغازه از ده ها هزار دلار افزون است. از آبان ۱۳۸۹ موج گسترده ای از حمله با مواد آتش زا به مغازه های بهائیان رفسنجان جریان داشته. در کمتر از دو ماه، تا کنون ۱۰ بار رویدادهای مشابهی رخ داده است.

اصفهان: صدور حکم برای پنج بهائی اهل ویلاشهر

رای دادگاه در مورد پرونده پنج بهائی اهل ویلاشهر (استان اصفهان) اخیراً صادر شده و آنها به قرار زیر محکوم شده اند: • خانم افروز روحی، خانم ژینوس جوشنیان، خانم نسیم روحی و خانم مژگان عبادی به «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران» متهم و به یک سال زندان محکوم شده اند. • آقای فراز روحی (برادر خانم افروز روحی) به «معاونت در تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران» متهم و به سه ماه و یک روز زندان محکوم شده است. این پنج نفر در تابستان ۱۳۸۹ دستگیر و با قرار وثیقه آزاد شدند و محاکمه شان در ۲۵ آبان ۱۳۸۹ برگزار شد.

بابلسر: دستگیری خانم انیسا صفریان

در ۲۹ آذر ۱۳۸۹، خانم انیسا صفریان، یک بهائی ۲۲ ساله اهل بابلسر (استان مازندران) در محل سکونت خود دستگیر شد. مأموران وزارت اطلاعات خانه اش را بازرسی و مطالب مربوط به آئین بهائی و بعضی وسایل شخصی از جمله کامپیوتر او را پیش از دستگیری توقیف کردند.

رفسنجان: حملات آتش سوزی هنوز ادامه دارد

در ساعت ۳ بامداد ۲۸ آذر ۱۳۸۹، مغازه تعمیر لوازم خانگی متعلق به آقای علی شاکر اهل رفسنجان (استان کرمان) برای بار دوم به آتش کشیده شد. مغازه آقای شاکر یک بار در ۲۴ آبان ۱۳۸۹ مورد حمله آتش افروزان قرار گرفت. آقای شاکر پس از اولین یورش، مغازه مجاور را برای کار اجاره و یک در مقاوم در برابر آتش برای آن نصب کرد. ولی حمله کنندگان توانستند مواد آتش زا را از سوراخی که در سقف ایجاد کردند، با فشار در مغازه بیندازند که به انفجار مغازه انجامید. از آبان ۱۳۸۹ موج گسترده ای از حمله با مواد آتش زا به مغازه های بهائیان رفسنجان جریان داشته و تا کنون، در کمتر از دو ماه، ۹ بار چنین رویدادهایی رخ داده است.

شیراز: دستگیری آقای روح الله اخلاقی

در ۹ آذر ۱۳۸۹، مأموران وزارت اطلاعات خانه آقای روح الله اخلاقی اهل شیراز را بازرسی و پس از ضبط همه مطالب مربوط به آئین بهائی و وسایل شخصی آقای اخلاقی را دستگیر کردند.

کاشان: دستگیری آقای پیمان فروغی و آزادی او با قرار وثیقه

۱۴ آذر ۱۳۸۹، محل سکونت آقای پیمان فروغی اهل کاشان (استان اصفهان) توسط مأمورانی از دفتر دادستانی محل بازرسی شد. آنها همه مطالب مربوط به آئین بهائی و بعضی وسایل شخصی دیگر، مثل کامپیوتر و دیش ماهواره آقای فروغی، را ضبط کردند. روز بعد، ۱۵ آذر، همسر آقای فروغی احضار شد و مورد بازجویی قرار گرفت. آقای فروغی و همسرش در ۱۵ آذر ۱۳۸۹، پس از ارائه جواز کسب تجاری به عنوان وثیقه آزاد شدند.

قائم شهر: زندانی شدن آقای مسعود عطائیان

در ۷ آذر ۱۳۸۹، آقای مسعود عطائیان اهل قائم شهر دوره ده ماهه محکومیت زندان خود را در زندان ساری آغاز کرد. آقای عطائیان در ۲۸ آبان ۱۳۸۷ دستگیر و در ۲۷ بهمن ۱۳۸۷ آزاد شده بود و در ۵ بهمن ۱۳۸۸ در شعبه ۲ دادگاه انقلاب ساری به ده ماه زندان محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدید نظر تأیید شد.

اصفهان: برگزاری محاکمه پنج بهائی اهل ویلاشهر

در ۲۵ آبان ۱۳۸۹، دادگاه آقای فراز روحی، خانم افروز روحی (خواهر آقای روحی)، خانم ژینوس جوشنیان، خانم نسیم روحی و خانم مژگان عبادی، همه اهل ویلاشهر (استان اصفهان) در شهر تیران در استان اصفهان برگزار شد. آنها در تابستان ۱۳۸۹ دستگیر و با قرار وثیقه آزاد شده بودند.

قائم شهر: صدور حکم برای آقای فخرالدین صمیمی

در ۲۲ شهریور ۱۳۸۹، آقای فخرالدین صمیمی اهل قائم شهر (استان مازندران) به شش ماه زندان محکوم شد. آقای صمیمی در ۱۰ خرداد ۱۳۸۹ دستگیر و در ۴ تیر ۱۳۸۹ با قرار وثیقه آزاد شده بود.

مشهد: صدور جریمه نقدی برای خانم نورا نبیل زاده

خانم نورا نبیل زاده اهل مشهد به خاطر داشتن تجهیزات ماهواره، به پرداخت یک میلیون ریال (حدود ۹۷ دلار آمریکا) محکوم شده است. خانم نبیل زاده در ۱ تیر ۱۳۸۹ دستگیر و در ۲۸ شهریور ۱۳۸۹ با قرار وثیقه آزاد شد.

نور: آزادی آقای محمود رزی با قرار وثیقه

در ۳ آذر ۱۳۸۹، آقای محمود رزی اهل نور (استان مازندران) که در ۱۲ آبان ۱۳۸۹ در نور دستگیر شده بود، با قرار وثیقه آزاد شد.

نور: آزادی خانم ها فریده علی بابائی (تائید) و شیدا تائید

در ۱۶ آذر ۱۳۸۹، خانم فریده علی بابائی (تأیید) از زندان آزاد شد. در ۲۲ آذر ۱۳۸۹ دخترش، خانم شیدا تأیید نیز آزاد شد. هر دو اهل نور از استان مازندران هستند. محل سکونت خانواده تأیید توسط مأموران وزارت اطلاعات در ۱۵ آبان ۱۳۸۹ مورد یورش قرار گرفت و خانم علی بابائی و دخترش، شیدا، در ۲۹ آبان ۱۳۸۹ توسط مأموران وزارت اطلاعات دستگیر شدند.

یاسوج: آزادی موقت آقای علی بخش بذرافکن

به آقای علی بخش بذرافکن اهل یاسوج از ۱۶ آذر ۱۳۸۹ به مدت یک هفته مرخصی موقت داده شد. آقای بذرافکن در ۹ آبان ۱۳۸۸ پس از بازرسی محل سکونتش و توقیف بعضی مطالب مربوط به آئین بهائی توسط عاملان وزارت اطلاعات دستگیر شد. دادگاه او در ۱۶ آذر ۱۳۸۸ برگزار و او را به دو سال و نیم زندان و پنج سال تبعید محکوم کرد.

رفسنجان: ادامه حملات آتش سوزی

دو مغازه دیگر متعلق به بهائیان در شهر رفسنجان (استان کرمان) با مواد آتش زا مورد حمله قرار گرفته است: در اولین ساعات صبح ۱۰ آذر ۱۳۸۹، یک تعمیرگاه لوازم خانگی متعلق به آقای سیاوش روشنگر برای بار دوم به آتش کشیده شد و در ساعات اولیه صبح ۱۳ آذر ۱۳۸۹ مغازه ای متعلق به آقای عرفان اسلامی توسط اشخاص ناشناس آتش



زده شد. هفت مغازه دار بهائی که تعمیرگاه لوازم خانگی آنها ظرف ۴۰ روز اخیر (۳ آبان تا ۱۴ آذر ۲۵-۱۳۸۹ اکتبر تا ۵ دسامبر ۲۰۱۰) به آتش کشیده شده، عبارتند از: آقای ایرج پاینده، آقای مجید پاینده، آقای محبوب بندی، آقای علی شاکر، آقای علی عمادی، آقای

سیاوش روشن‌گر و آقای عرفان اسلامی. این افراد از مسئولان مختلف تقاضای دادرسی کرده‌اند و به آنها وعده داده شده که پرونده‌های آنان را پیگیری خواهند کرد، گرچه تا این تاریخ هیچ کاری انجام نشده است.

در نیمه دوم سال ۱۳۸۷، به خصوص در ماه‌های تابستان، بهائیان رفسنجان تحت موج شدیدی از آزار قرار گرفتند، از جمله تعطیل کردن هشت مغازه متعلق به بهائیان، انتشار مطالب ضد بهائی در مغازه‌های مجاور، پیغام‌ها و تماس‌های تلفنی تهدیدآمیز، و بیش از ۲۰ حادثه دیگر شامل تخریب خانه‌ها و اتومبیل‌ها و به آتش کشیدن مغازه متعلق به یک بهائی. بهائیان رفسنجان در سال ۱۳۸۸ نیز به اشکال گوناگون از جمله مهر و موم مغازه‌های بهائی و به آتش کشیدن اتومبیل یک بهائی، مشکل در دفن درگذشتگان و اشکال دیگر مورد آزار بوده‌اند.

رامسر: دستگیری آقای مجید صفری، آقای سراج الله کیان و آقای

یگان

در ۳۰ آبان ۱۳۸۹، آقای مجید صفری، آقای یگان و آقای سراج الله کیان، همه اهل رامسر (استان مازندران)، توسط مأموران وزارت اطلاعات دستگیر شدند.

رامسر: آزاد شدن خانم لطفی

در ۳۰ آبان ۱۳۸۹، خانم لطفی اهل رامسر (استان مازندران) توسط مأموران وزارت اطلاعات دستگیر و روز بعد، ۱ آذر، آزاد شد.

سمنان: آزادی آقای عادل فنائیان با قرار وثیقه

در ۶ آذر ۱۳۸۹، آقای عادل فنائیان اهل سمنان که در ۲۳ آبان ۱۳۸۹ دستگیر شده بود، پس از ارائه وثیقه به ارزش ۱۰۰ میلیون تومان (حدود ۹۷ هزار دلار آمریکا) آزاد شد.

سمنان: زندانی شدن آقای سیامک ایقانی

در ۱۵ آبان ۱۳۸۹، آقای سیامک ایقانی اهل سمنان، که به دادگاه انقلاب سمنان احضار شده بود، برای شروع دوران محکومیت سه ساله خود به زندان سمنان برده شد. آقای ایقانی در ۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ دستگیر و در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۸ با قرار وثیقه آزاد شده بود. او ساکن یکی از ۲۰ خانه‌ای بود که در ۲۵ آذر ۱۳۸۷ در سمنان مورد یورش قرار گرفتند.

قائم شهر: زندانی شدن آقای سامان ثابتی

در ۲۹ آبان ۱۳۸۹ ، آقای سامان ثابتی اهل قائم شهر (استان مازندران) برای گذراندن دوران شش ماهه محکومیت خود زندانی شد. آقای ثابتی در ۱۶ بهمن ۱۳۸۷ دستگیر و بعداً با قرار وثیقه آزاد شد. او به شش ماه زندان محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدید نظر مورد تأیید قرار گرفت.

قائم شهر: زندانی شدن خانم فیروزه یگان (اسدی)

در ۱۷ شهریور ۱۳۸۹ ، خانم فیروزه یگان (اسدی) اهل قائم شهر به دایره اجرای احکام دادگاه انقلاب قائم شهر احضار و پس از آن به زندان برده شد تا دوران محکومیت ۶ ماهه خود را آغاز کند. خانم یگان در ۲۹ دی ۱۳۸۷ دستگیر و در ۱۵ بهمن ۱۳۸۷ آزاد شده بود. او در دادگاه بدوی به یک سال زندان محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدید نظر به شش ماه کاهش یافت.

ساری: زندانی شدن خانم سپیده معصومی

در ۱ آذر ۱۳۸۹ ، خانم سپیده معصومی اهل ساری (استان مازندران) به دادگاه احضار و پس از آن به زندان ساری منتقل شد. خانم معصومی در ۲۸ آذر ۱۳۸۸ دستگیر و در ۲۲ دی ۱۳۸۸ با قرار وثیقه آزاد شده بود. او بعداً به ۶ ماه زندان محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدید نظر مورد تأیید قرار گرفت.

ما که دادیم دل و دیده فدای ابهی

گو بیا سیل و غم و خانه زبنیاد ببر